



واژه‌نامه نگاری
محمد رضا معتمدی
سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تهران، ۱۳۷۸

برای آشنایی با مضامین کتاب فرهنگ روزنامه‌نگاری مقدمه آن را در اینجا می‌آوریم. در این مقدمه مطالب مهم کتاب تلخیص شده است.

عنوان کتاب حاضر، فرهنگ روزنامه‌نگاری است، اما این کتاب، از نظر مرجع‌شناسی، اساساً یک «فرهنگ» به معنای دقیق نیست: یک فرهنگ روزنامه‌نگاری، به معنای دقیق کلمه، کتابی است که (طبق بررسی‌های نگارنده) از حدود ۲۰۰۰ مدخل تشکیل می‌شود و بنا بر روش‌های متعارف فرهنگ‌نویسی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ صفحه (با صفحه‌آرایی کتاب حاضر) را می‌پوشاند. نگارنده، پیش از این کتاب، بسیاری از مدخل‌های یک چنان فرهنگی را آماده کرده بود، اما چون آن را مناسب چاپ تشخیص نداد، به تدوین کتاب حاضر پرداخت.

فرهنگ روزنامه‌نگاری، به معنای دقیق، از مدخل‌های نسبتاً مشخصی تشکیل می‌گردد، و تعریف هر مدخل نیز مطابق عرف فرهنگ‌نویسی به حدود ۲ تا ۵ سطح «فضا» نیاز دارد.

اما به اعتقاد نگارنده فرهنگ روزنامه‌نگاری، به معنای دقیق، کاربرد چندانی ندارد. دلایل این نظر فراوان است اما یک دلیل شاید مهم‌تر از بقیه باشد: بیشتر واژگان روزنامه‌نگاری را نمی‌توان به آسانی در چند سطر تعریف کرد؛ مثلاً «مدخل» «روزنامه» «نخبه» که در کتاب حاضر در چند صفحه تشریح شده است اگر به روش‌های متعارف فرهنگ‌نویسی در چند سطر «تعریف» شود، اطلاعاتی می‌دهد که فقط خواننده را به اشتباه می‌اندازد. مگر این که گروهی از فرهنگ‌نویسان بر اساس یک برنامه استثنایی بدین مهم بپردازند و بتوانند هر مدخل را بدون «ابهام» و «نقص» در چند سطر تعریف کنند و چنین کاری تاکنون انجام نشده است و اگر چنین فرهنگی وجود می‌داشت نگارنده بدون درنگ و تردید به ترجمه آن به فارسی می‌پرداخت.

به عنوان نمونه‌های دیگر، هر یک از مدخل‌های «خبیر»، «رویداد»، «گزارش»، «تفسیر»، «نقد»، «تحلیل»، «تشریح»، «خبیرگری» و «سرگرمی»، در کتاب حاضر در چند صفحه یا حداقل در چند ده سطر تشریح شده است. به اعتقاد نگارنده، هیچ

یک از این مدخل‌ها را نمی‌توان در چند سطر به روش‌های متعارف تعریف کرد، چنان که تا امروز نیز هیچ نویسنده یا فرهنگ‌نویسی نتوانسته است آنها را بدون ابهام و نقص به روش فرهنگ‌نویسی تعریف کند... و البته اگر روزی چنین فرهنگی نوشته شود که هر یک از مفاهیم روزنامه‌نگاری را در چند سطر بدون اشکال تعریف کند کار سترگی محسوب خواهد شد و نگارنده کتاب حاضر نیز آن را به فارسی ترجمه خواهد نمود.

به هر حال، کتاب حاضر فرهنگ روزنامه‌نگاری متعارف ۲۰۰ - ۲۵۰ صفحه‌ای محسوب نمی‌شود و در بسیاری از مدخل‌های آن برای رفع ابهامات و نقایص توضیحات زیادی در حدود چند صفحه آورده شده است.

اما چرا تعریف واژگان روزنامه‌نگاری مشکل است؟ شاید این پاسخ به دور از حقیقت نباشد: روزنامه‌نگاری علمی است که هم روزنامه‌نگاران و هم خواننده‌های عادی روزنامه‌ها در ارتقای آن سهم داشته‌اند؛ تعداد مفاهیم در روزنامه‌نگاری نسبتاً اندک و مشخص است اما تعداد نظرات و تعاریف درباره هر مفهوم بسیار. مثلاً مفهوم «گزارش» همه جاکم و بیش به یک منظور به کار می‌رود اما مردم سوئیس و چین و تانزانیا درباره آن تعابیر یکسانی ارائه نمی‌دهند. همچنین دو روزنامه‌نگار در یک کشور یا شهر واحد، الزاماً نگرش یکسانی درباره «سرمقاله» ندارند.

شاید مؤسسه بین‌المللی استاندارد [ISO] بتواند تعریف واژگان حوزه‌های کامپیوتر و برق و ریاضی و فیزیک و غیره را استاندارد سازد اما بعید است که بتواند یا بخواهد واژگان روزنامه‌نگاری را به صورت استاندارد تعریف کند. (ضمن این که نگارنده معتقد است ISO باید مفاهیم اندازه‌گیری در روزنامه‌نگاری را که کاملاً قابل استانداردسازی هستند به طور دقیق تعریف کند و هیچ‌گونه صاحب صلاحیت دیگری جز ISO وجود ندارد که بتواند این کار مهم را انجام دهد.)

به هر حال، تعریف واژگان اساسی روزنامه‌نگاری بدون اشکال در چند سطر دارای کاربردهای فراوانی است...

۲. دانشنامه روزنامه‌نگاری

«دانشنامه» [encyclopedia] نوعی منبع مرجع است که از تعدادی مدخل با ترتیب الفبایی تشکیل می‌گردد و به ازای هر مدخل، یک «مقاله» جامع و پوشا و چکیده ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، در یک دانشنامه فرضی روزنامه‌نگاری، ذیل مدخل «تفسیر» [که از نظر مکان در حرف «ت» قرار دارد] یک مقاله جامع ارائه می‌دهد که کلیه مفاهیم مربوط به تفسیر را بپوشاند و همان‌گاه در کمترین تعداد کلمات تدوین شده باشد. یک مقاله متعارف دانشنامه، نوعاً از چند - ده سطر تا چند صفحه تشکیل می‌گردد. مسئله اساسی در دانشنامه این است که هر مقاله آن باید کاملاً چکیده و بدون حشو باشد، بدون این که مطلبی را از قلم انداخته باشد. به همین دلیل، نوشتن یک مقاله برای دانشنامه تقریباً به اندازه نوشتن یک کتاب درسی کامل ارزش دارد و به همان اندازه وقت‌گیر است؛ دانشنامه را معمولاً به طور گروهی تدوین می‌کنند.

اما کتاب حاضر که برخی مدخل‌های آن ظاهراً شباهت به مقاله دانشنامه دارد، «دانشنامه روزنامه‌نگاری» نیز نیست. (گذشته از این که حدود ۲۰ تا ۳۰ مدخل از کتاب، حکم مقاله دانشنامه را دارند.) بیشتر مدخل‌های طولانی کتاب حاضر به این دلیل به تفصیل تشریح شده‌اند که درک آنها را برای خواننده آسان سازند، و «جامعیت - پوشایی - چکیدگی» هدف نبوده است. در ضمن، در زبان فارسی و انگلیسی، دانشنامه روزنامه‌نگاری به معنای دقیق آن تاکنون منتشر نشده است.

۳. درسنامه روزنامه‌نگاری

«درسنامه»، نوعی منبع نیمه مرجع است که به طور موضوعی مرتب می‌شود و هدف آن آموزش یک برنامه درسی معین است. سطح درسنامه بستگی به برنامه آموزشی (دبستانی، دبیرستانی، دانشگاهی...) دارد. ترتیب موضوع درسنامه دارای ساختاری است به این شکل: کل کتاب از چند «فصل» تشکیل می‌گردد؛ هر فصل از تعدادی «بخش» و هر بخش از تعدادی «زیربخش» یا «پاراگراف» [= بند] تشکیل می‌گردد. هر بخش ممکن است یک یا چند مفهوم معین را آموزش دهد یا تشریح کند

که در برنامه درسی تعیین شده است. مثلاً یک درسنامه روزنامه‌نگاری ممکن است از ۱۵ فصل تشکیل شود و هر فصل به طور متوسط از ۱۰ بخش و هر بخش به طور متوسط از ۵ پاراگراف تشکیل گردد. بدین ترتیب، اگر هر بخش حاوی تشریح یک مفهوم آموزشی باشد، جمعاً ۱۵۰ مفهوم در ۱۵۰ بخش درسنامه آموزش داده می‌شود و اگر هر پاراگراف حاوی یک مفهوم آموزشی باشد، جمعاً ۷۵۰ مفهوم در ۷۵۰ پاراگراف درسنامه آموزش داده می‌شود.

کتاب حاضر اساساً یک درسنامه بوده است که در پایان تدوین آن ترتیب مطالب به جای ساختار فصل - بخش - پاراگراف، به صورت الفبایی فارسی درآورده شده است. به همین دلیل، تعداد ارجاعات مستقیم و ضمنی موجود در کتاب بسیار زیاد است.

کتاب حاضر، حاوی دقیقاً ۱۵۵۵ مدخل است. حدود ۷۰۰ - ۸۰۰ مدخل آن، در حقیقت، عنوان‌های پاراگراف‌های درسنامه‌های بوده‌اند که نگارنده آنها را به صورت مدخل‌های الفبایی فارسی مرتب کرده و معادل انگلیسی هر مدخل را در مقابل آن قرار داده است، تا خواننده هم‌زمان با مطالعه مدخل، با معادل انگلیسی واژه مدخل نیز آشنا شود.

به عنوان مثال، مدخل «گزارش» در اصل، عنوان یک فصل از درسنامه بوده که متشکل از حدود ۲۰ بخش و ۵۰ پاراگراف بوده است؛ و اکنون، در صورت الفبایی فارسی حاضر، هر مفهوم مرتبط با گزارش در مکان الفبایی متناظر خود آمده است.

بقیه حدوداً ۷۵۰ مدخل کتاب، که عمدتاً جزو درسنامه نبوده‌اند، از متون و فرهنگ‌های روزنامه‌نگاری انگلیسی استخراج و ترجمه شده‌اند و بدین ترتیب، با افزوده شدن این مدخل‌ها به مجموعه، کتاب به یک فرهنگ روزنامه‌نگاری شباهت بیشتری پیدا کرده است. مدخل‌هایی مانند آب و تاب، آخر و آرت، از متون انگلیسی استخراج و ترجمه شده‌اند.

اگر فرصتی پیش آید و خداوند توفیقی بدهد، نگارنده به تکمیل درسنامه سازنده فرهنگ حاضر خواهد پرداخت. در این صورت یک درسنامه ۱۵ - ۲۰ فصلی در حدود ۳۰۰ - ۴۰۰ صفحه حاصل خواهد

آمد که مواد درسی آن در حدود یک برنامه آموزشی دانشگاهی ۵ یا ۶ واحدی خواهد بود. حجم مواد درسی موجود در کتاب حاضر نیز تقریباً به اندازه ۴ یا ۵ واحد درسی دانشگاهی است، هر چند، صورت فعلی با هیچ برنامه دانشگاهی معینی مطابقت ندارد. اما دانشجویان روزنامه‌نگاری می‌توانند کتاب حاضر را به عنوان یک کتاب کمک درسی به کار برند. به ویژه که بسیاری از مفاهیم نسبتاً مشکل روزنامه‌نگاری، مانند «تفسیر»، «تحلیل»، «نقد»، «طنز»، «مطلب»، «پیام» و «رویداد» به سادگی و روشنی شرح داده شده‌اند.

۴. نظریه روزنامه‌نگاری

تدوین یک کتاب روزنامه‌نگاری بر اساس یک «نظریه روزنامه‌نگاری» کار آسانی است؛ اما این نظریه علمی روزنامه‌نگاری را هنوز هیچ روزنامه‌نگار سرشناسی ارائه نکرده است. البته کتاب معروف «چهار نظریه مطبوعات»^۱ فقط ۴ نگرش شاخص روزنامه‌نگاری را مطرح می‌کند که با مصاحبه عنوان آن را ۴ نظریه گذاشته‌اند. در این کتاب، ۴ نگرش مهم به روزنامه‌نگاری به شرح زیر ارائه شده است:

۱. نظریه حقیقت،^۲ که در اواخر رنسانس به وجود آمد، حاوی این دیدگاه است که «حقیقت» فقط ماحصل اندیشه معدودی از خردمندان جامعه است؛

۲. نظریه آزادی خواهانه،^۳ که از آرای فیلسوفانی چون میلون، لاک، میل و جفرسون نتیجه شده، این دیدگاه را مطرح می‌کند که جست‌وجوی حقیقت حق طبیعی انسان است؛

۳. نظریه مسئولیت اجتماعی،^۴ که نظریه روزنامه‌نگاری مدرن محسوب می‌شود، این دیدگاه را مطرح می‌کند که فضای روزنامه‌ها و زمان رادیوها و تلویزیونها، باید به تساوی به همه کاندیداهای سیاسی و صاحبان نظر اجتماعی داده شود؛

۴. نظریه کمونیستی روسی،^۵ دیدگاه بسط یافته و مثبت‌تری از نظریه حقیقت محسوب می‌گردد، که تلویحاً کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (سابق) را صالح‌ترین مرجع حقیقت می‌شمارد.

به هر حال هیچ یک از این نگرش‌ها، «نظریه علمی» محسوب نمی‌شود؛ اما هر



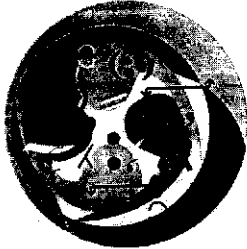
مجموعه اطلاع‌رسانی

شعبه اطلاع‌رسانی و انتشارات

کتابخانه

اصول ویرایش و نشر

محمدرضا محمدی



اصول ویرایش و نشر

محمدرضا محمدی

تهران، ۱۳۸۱

رویه ساده زیر بهره گرفت:

۱. نظریه‌ساز به متون گوناگون روزنامه‌نگاری مراجعه کند و همه حکمهای مهم را که روزنامه‌نگاران مختلف پذیرفته‌اند، استخراج و فهرست کند؛
۲. حکم‌های فهرست‌شده را مرتب کند و بین آنها، تعداد بسیار زیادی از حکمهای تکراری و حکمهای قابل استخراج و قابل استنتاج از حکمهای کلی‌تر را حذف کند؛
۳. حکمهای مهم را که به هیچ روشی قابل اثبات نیستند و در تعداد زیادی از تعاریف و استنتاج‌های کاربرد دارند بررسی کند و آنها را به عنوان پیش - اصلها [pre-axioms] در نظر بگیرد؛

۴. واژگان اساسی را که دارای تعریف نسبتاً مشخص هستند دقیق و بدون ابهام تعریف کند. گر چه «رویه مکانیکی» فوق، محتملاً به تدوین نظریه می‌انجامد اما روش متعارف در نظریه‌سازی نیست. روش متعارف این است که نظریه‌ساز تعدادی اصل را حدس بزند و آنها را برای مفید بودن در تدوین قواعد کاربردی آزمایش کند. مثلاً این که «نرم‌نویسی» مفهوم اصولی است، نیازی به بررسی در متون ندارد اما اینکه می‌تواند در استخراج قواعد نظریه مفید باشد نیاز به آزمایش دارد. حتی نظریه‌ساز می‌تواند یک اصل را ابداع کند و در سیستم نظری خود جای دهد و سپس درباره مفید بودن آن در سیستم به بررسی بپردازد.

پی نوشت:

1. Siegert, F. S. and T. Peterson and W. Schramm, *Four Theories of the Press*, University of Illinois, 1956
- تا جایی که نگارنده می‌داند، این کتاب کلاسیک، دست کم تا دهه ۱۹۸۰ تجدید ویرایش نشده است.
2. The Authoritarian Theory
3. The Libertarian Theory
4. The Social Responsibility Theory
5. The Soviet Communist Theory
۶. برای شرح واژگانی مانند آموزه، آموزگان، نظریه، شبه‌نظریه، فرضیه، سرمشق و بارادایم، رجوع کنید به کتاب «پژوهش‌شناسی»، به قلم نگارنده، که جزو همین مجموعه اطلاع‌رسانی چاپ می‌شود.



یک را می‌توان نوعی «آموزگان»، «شبه نظریه»، و یا «سرمشق» نامید. گر در واقع؛ نظریه ۴ صورتی از نظریه ۱، و نظریه ۳ صورتی از نظریه ۲ است؛ بنابراین، کتاب مذکور، اساساً تشریح‌کننده فقط ۲ نظریه است و نه ۴ نظریه. علاوه بر این، کتاب در دهه ۱۹۵۰ ب. م. نوشته شده است و شاید اگر در آستانه قرن بیست و یکم نوشته می‌شد، چند نظریه دیگر را نیز به فهرست نظریه‌های خود اضافه می‌کرد؛ زیرا در ۵ دهه اخیر، دانش روزنامه‌نگاری شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده، هرچند تحولی در آن به وجود نیامده است.

البته تدوین یک نظریه علمی اختصاصی روزنامه‌نگاری که در جامعه معین و برای رسانه معین صدق کند، به ویژه مخصوص دوره زمانی معینی باشد، کار مشکلی نیست؛ اما تدوین یک نظریه عمومی روزنامه‌نگاری نیاز به مطالعات و بررسیهای بسیار دارد؛ اما در هر دو حالت، رویه کلی کار یکسان و مشخص است:

کافی است چند اصل یا اصل موضوع [axiom] بدیهی انتخاب و معرفی، و همراه با آن، تعدادی واژه دقیق و بدون ابهام تعریف شوند؛ سپس با بررسیهای متعدد ۲ شرط زیر به عنوان شرایط اصلی تأمین گردند:

۱. آیا نظریه توانسته است کلیه مفاهیم روزنامه‌نگاری را پوشاند؟ (شرط جامعیت)؛
۲. آیا این نظریه منجر به بروز تناقضی نشده است؟ (شرط سازگاری یا عدم نقض‌سازی).

هر اصل از نظریه یک «حکم» یا خلاصه یک «تن» است که معمولاً همگان آن را می‌پذیرند اما راهی برای آزمایش و تأیید تجربی یا اثبات منطقی به روش «تحلیل منطقی» آن وجود ندارد. (مثلاً در هندسه، این اصل که دو خط راست موازی هیچ‌گاه یکدیگر را قطع نمی‌کنند، قابل اثبات به روش آزمایش تجربی یا به روش‌های ریاضی نیست، اما همگان آن را به عنوان اصل بدیهی پذیرفته‌اند. همچنین در «نظریه احتمال»، این اصل که احتمال یک رویداد، همواره بین ۰ تا ۱ است، اصل پذیرفته‌شده‌ای است اما هیچ‌گاه قابل اثبات یا آزمایش نیست.)

در روزنامه‌نگاری، برای تعیین اصل‌های نظریه روزنامه‌نگاری، می‌توان از